



آیین‌های نمایشی و آیین کوسه‌ناقالی شازند

مسعود عظیمی، دبیر هنر شازند اراک

چکیده

نمایش یکی از قدیمی‌ترین مظاهر بازنمایی زندگی، باورها و عقاید و آیین‌های گوناگون بشر بوده که از دیرباز به اشکال متفاوت در جوامع گوناگون اجرا می‌شده است. «کوسه‌ناقالی» نیز نوعی نمایش آیینی است که با تکیه بر برخی اساطیر در برخی مناطق ایران به گونه‌های متنوع اجرا می‌شده است. این پژوهش بر آن بوده است تا با بررسی آیین فراموش شده کوسه‌ناقالی، ضمن معرفی یک نمایش فراموش شده، بخشی از وجوه دراماتیک فرهنگ عامه در شهرستان شازند و پیوند آن را با باورهای مذهبی و اسطوره‌ای و همچنین کارکرد اجتماعی آن نشان دهد. روش تحقیق در این پژوهش روش مطالعه میدانی، مصاحبه با افراد اجرا کننده و مشاهده بوده است. این پژوهش می‌تواند مقدمه‌ای بر تحقیقاتی از این دست به حساب آید.

کلید واژه‌ها: نمایش آیینی، کوسه‌ناقالی، فرهنگ عامه، شهرستان شازند

مقدمه

نمایش‌های آیینی از جمله سازه‌های زیربنایی فرهنگ ملل هستند که بسیاری از مقوله‌های تمدنی را نیز شکل می‌دهند. آیین‌ها ریشه در اعتقادات معنوی یک ملت دارند. در این میان بحث نمایش‌های آیینی همواره چند اصل اساسی را مورد بازکاوی قرار می‌دهد. همین چند اصل اساسی که تا حدی ظریف، عمیق و مستند هستند، ایده‌های تاریخی هنر اجرا و درام را از مغرب‌زمین به‌سوی گاهواره تمدن (مشرق‌زمین) و به‌ویژه تمدن کهن سال ایرانی برمی‌گردانند.

بی‌شک هنر تئاتر همواره با تاریخچه‌ای مستند، به یونان باستان برمی‌گردد. اما خود یونان نیز با تاریخچه‌هایی همچون ماقبل تئاتر، دوره تاریخی تئاتر و دوران تئاتری قابل بررسی است. دوران ماقبل تئاتر یونان باستان را می‌توان با تاریخچه ظهور نمایش‌های آیینی مشرق‌زمین به‌ویژه ایران باستان مقایسه کرد. در این میان یکی از بحث‌های مهم درباره ظهور ژانر تئاتر و ریشه‌یابی تاریخی و انتساب آن به مغرب‌زمین، به ابعاد واژه‌شناختی و تاریخی این واژه برمی‌گردد. واژه تئاتر بنابر اسناد تاریخی از «تئاترون»^۱ می‌آید. تئاترون نزد یونانیان باستان به محلی اطلاق می‌شد که در آن تماشاگران حضور داشتند و از آن محل دیدن می‌کردند. بنابراین وجود چنین عاملی می‌تواند دلیلی بر رد پیشینه بیشتر مغرب‌زمین بر مشرق‌زمین در ابداع هنر نمایش باشد. اما در این سوی جهان و مشرق‌زمین، اگرچه انگیزه‌ای برای درام‌نویسی و تئاتر وجود نداشت، اما شرایط به ظهور آثاری منجر شد که از قابلیت‌های نوشتاری دراماتیک برخوردار بودند. چنین آثاری زمینه را برای ظهور آیین‌های نمایشی و نمایش‌های آیینی فراهم کردند. مهم‌ترین بستر ظهور نمایش‌های آیینی در مشرق‌زمین نیز مفاهیمی از جمله معنویت، دین، اخلاق و گرایش فطری بشر به خدای یگانه بود.

«فولکلور» یا «فرهنگ عامه» دانشی است همگانی از آداب و رسوم و سنت‌ها، انواع بازی‌ها و سرگرمی‌ها، موسیقی، هنر و هر آنچه که به زندگی روزمره مردم مربوط می‌شود. «فرهنگ عامه اصطلاحی کلی است برای جنبه‌هایی از فرهنگ بشری که از طریق شفاهی، مشاهده، تجربه، و تقلید به زندگی مردم منتقل می‌شود.» (تمیم‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱). به‌دنبال آن برای فولکلور ایران سه پیشینه تاریخی مطرح می‌شود و مطالعات فرهنگ عامه را در پنج بخش اعتقادات و باورها، سنت‌ها، روایات، گفتارهای عامیانه و هنرهای عامه طبقه‌بندی می‌کنند. برای مثال، «سنت‌ها را می‌توان در انواع جشن‌ها

و آیین‌ها، بازی‌ها، پخت‌وپز، لباس‌های محلی، انواع میهمانی، و مراسم تعزیه و سوگواری مشاهده کرد. اعیاد و جشن‌های ملی و مذهبی، بزرگداشت شخصیت‌های اجتماعی، ایام مهم مربوط به وقایع مهم مانند روز استقلال، پایان جنگ و برقراری صلح، ایام شهادت پیشوایان مذهبی و شخصیت‌های ملی، ارائه خدمات مهم مذهبی، همه و همه را می‌توان به سنت‌ها مربوط دانست.» (همان: ۱۸)

در این میان بررسی آیین‌های نمایشی در هر شهرستانی می‌تواند نتایج ارزشمندی داشته باشد. چون از طریق بررسی اجرای آن می‌توان به رابطه اعتقاد و مذهب آن شهرستان با آیین‌ها پی برد و یا رابطه معیشت و آیین‌های نمایشی را بررسی کرد.

هدف‌های تحقیق

هدف این تحقیق بررسی نحوه پیدایش آیین‌های نمایشی و آیین کوسه‌ناقالی در شهرستان شازند در استان مرکزی بوده است. استان مرکزی شاید تنها استان کشور باشد که دارای لباس، موسیقی و زبان خاصی نیست و آنچه دارد از طریق مهاجران به این استان آمده و وارد فرهنگ عامه شده است. پس آیین‌های نمایشی خاص این منطقه می‌تواند موضوع مناسبی برای تحقیق و بررسی باشد.

محدودیت‌ها و مشکلات

با توجه به وجود رسانه‌ها و فناوری‌های امروزی که از کوچک و بزرگ درگیر آن هستند، دیگر از مراسم آیینی یادی نمی‌شود و آن‌ها حتی اجرا هم نمی‌شوند. سالخوردگان نیز فقط یادی از گذشته برایشان باقی مانده است. پس می‌توان گفت که این مراسم به‌صورت یک خاطره در ذهن مردم وجود دارند و امروزه شاید دیگر جایی بین مردم نداشته باشند و خرافاتی تلقی شوند.

موقعیت جغرافیایی شهرستان شازند

شهرستان شازند با ۲۷۳۲ کیلومتر مربع وسعت در ۳۳ کیلومتری جنوب غربی استان مرکزی قرار گرفته و از شمال و مشرق با شهر اراک، از جنوب با استان لرستان، از غرب با استان همدان، و از مشرق نیز با قسمتی از شهرستان خمین هم‌جوار است. این شهرستان در مجموع ۹/۶ درصد از مساحت استان را در بردارد و چهارمین شهرستان استان از حیث وسعت است. شهرستان شازند دارای پنج شهر به‌نام‌های شازند، آستانه، مهاجران، هندودر و توره و سه بخش (مرکزی، زالیان، سربند) با هشت دهستان (سربند، مالمیر، کوهسار، قره کهریز، نهر میان، پل دو آب، زالیان) است که مجموعاً ۲۳۹

از طریق بررسی
اجرای آن می‌توان
به رابطه اعتقاد
و مذهب آن
شهرستان با
آیین‌ها پی برد و یا
رابطه معیشت و
آیین‌های نمایشی
را بررسی کرد

کوسه پیشاپیش گروه حرکت می‌کرد و با باز و بسته کردن دست‌ها و تکان دادن بدن خود، صدای زنگوله‌ها را در می‌آورد

آبادی دارای سکنه در شهرستان را شامل می‌شود. زبان و لهجه اکثر مردم شهرستان فارسی مایل به لری است و در مناطقی از بخش سربند به زبان ترکی صحبت می‌کنند.

معنی لغوی و وجه تسمیه شازند

«شازند (sa-zand) نامی است مرکب از شا و زند که واژه‌های کوتاه شده شاه و زنده هستند. چنان که اصل و ریشه واژه شاه در سانسکریت شاس به معنی حکومت کردن است. تبدیل (س) به (ه) در سانسکریت مشاهده شده است؛ مانند راس که به راه تبدیل شده است. این واژه در اوستا به معنی حکم راننده آمده است. چنان که واژه خشتر (xsaetra) در اوستا به معنی شاه و فرمانروا

بخش دوم، نام زند نام مخفف یا کوتاه شده زنده به زبان فرس جان است که روح ذی حیات را زنده فرهنگ‌ها نیز حیات آمده در زبان زیندک به

بخش دوم، نام زند نام مخفف یا کوتاه شده زنده به زبان فرس جان است که روح ذی حیات را زنده فرهنگ‌ها نیز حیات آمده در زبان زیندک به

است که این زنده است. قدیم به معنی حیوانی است و خوانند. در دیگر زنده به معنی زندگی و است. از جمله این واژه پهلوی نیز به صورت معنی زنده و جان دار آمده است» (احمدی، ۱۳۸۱: ۴۸).

کوسه ناقالی نمونه الگوی نمایش معاصر در نواحی شهرستان شازند

قبل از هر سخنی در این خصوص باید گفت که مراسم کوسه‌ناقالی سال‌هاست که دیگر در این منطقه برگزار نمی‌شود و از باز یگران این نمایش فقط ییاد و خاطره‌ای باقی مانده است. براساس تحقیقات میدانی، مراسم کوسه‌ناقالی در شهر آستانه و در روستاهای تابعه شازند اجرا می‌شده است. آنچه در ادامه خواهد آمد، براساس روایات مردم منطقه و نوشته‌های موجود گردآوری شده است. در سال‌های پیش،

چهل روز از زمستان گذشته و پنجاه روز به نوروز مانده، یعنی دهم بهمن‌ماه، هر ساله در شازند و روستاهای شازند جشن «کوسه‌ناقالی» برگزار می‌شد. مردم معتقد بودند که آمدن ناقالی شگون دارد. با خود خیر و برکت به همراه می‌آورد و موجب باروری و زایش میش‌ها و بزها و گاوها می‌شود. از سوی دیگر، چوپانان و گاه افراد فقیر و بی‌چیزی که اجراکنندگان این مراسم بودند، از این راه چیزی به دست می‌آوردند تا زمستان را راحت‌تر بگذرانند. با فرا رسیدن ایام ناقالی، کودکان و نوجوانان و سایر مردم خوش حال می‌شدند؛ چون بر این باور بودند که کمر زمستان شکسته شده و بهار نزدیک است. این مراسم موجب تفریح، سرگرمی و تفنن آن‌ها نیز بوده است. جشن کوسه‌ناقالی در روزگاران قدیم مخصوص چوپان‌ها و گله‌داران بوده است.

دسته کوسه معمولاً بین پنج تا ده نفر بوده است. کوسه جبه نمدی را وارونه می‌پوشید و زنگوله‌هایی به آن آویزان می‌کرد.

زنگوله‌هایی هم به دستان و زانوان داشت. صورت کوسه را سفید می‌کردند و یک تکه پوست بزغاله هم به سرش می‌کشیدند که در آن سوراخ‌هایی برای دیدن و نفس کشیدن تعبیه شده بود. کوسه کمربندی از ریسمان و یا چرم پهن و یا پارچه‌ای به صورت شال به کمر می‌بست که از آن زنگوله‌هایی آویزان می‌شد. او پایچ مخصوص چوپانان به پا و چوب‌دستی به دست داشت. زن کوسه یا عروس پیراهنی زنانه بر تن و چادری بر سر داشت، او که آرایش شده بود، کفش‌های زنانه (گالش لاستیکی) به پا می‌کرد و زنگوله‌هایی به خود می‌بست. معمولاً نقش او به عهده پسران نوجوان بین دوازده تا شانزده ساله بود. (تگه‌ها) دو نفر بودند که هر کدام با بوته و یا جارو دو شاخ بر سر می‌بستند و چند زنگوله و توپره یا سطلی برای جمع‌آوری هدایا به همراه داشتند. گروه نوازندگان هم که ساز و دهل می‌زدند.

گروه یا دسته کوسه در حالی که عده‌ای به‌ویژه کودکان و نوجوانان آن‌ها را همراهی می‌کردند، در کوچه‌ها به گردش در می‌آمدند. کوسه پیشاپیش گروه حرکت می‌کرد و با باز و بسته کردن دست‌ها و تکان دادن بدن خود، صدای زنگوله‌ها را در می‌آورد. به در هر خانه که می‌رسید وارد می‌شد و بقیه هم پشت سر او وارد می‌شدند. کوسه یکراست به سراغ طولیله گوسفندان می‌رفت و با چوب‌دستی ضربه‌ای به در آن می‌زد؛ با این اعتقاد که شگون دارد و موجب



آمدن خیر و برکت، و باروری و زایش گوسفندان و بزها می شود. سپس زنگوله‌ها را دوباره به صدا درمی آورد و می خواند:

ناقالی گنده گنده
چهل رفته پنجاه مانده
بزتان بره می زاد
میشتان بزغاله می زاد
گر به تان سگ توله می زاد
زنتان بچه می زاد
ناقالی به این بزرگی
کالا پالا نداره

(در اینجا کالا به معنی کار و لباس است.)

مشتی رفته بر اش بیاره
الله نگهدار ش بداره
ناقالی گنده گنده
چیزی باقی نمانده

بعد از آواز خوانی کوسه، تگه‌ها با هم چوب‌بازی می کنند و عروس و کوسه با هم می رقصند، گاهی هم کوسه با یکی از تگه‌ها کشتی می گیرد که نشانه رقابت برای عروس است. در این کشتی کوسه شکست می خورد و غش می کند. عروس بالای سر کوسه می آید و می خواند:

این دست گرم کوسه
این پای گرم کوسه
والا نمرده کوسه
آخ شوهرم، خاک به
سرم

عروس ادامه می دهد:

بختم، بختم، سوزن بدین بز نم به ر ختم
زن صاحب خانه سوزنی به عروس می دهد؛ زیرا اعتقاد دارند که اگر ندهند، بدبختی و تیره بختی به آن خانه روی می آورد.

اوج جشن و هنر نمایی کوسه و همراهان در منزل کدخدا یا بزرگ ده است. در این خانه کوسه هنر نمایی را به حد کمال می رساند و سنگ تمام می گذارد. صاحب خانه مقداری پول و یا خوراکی به کوسه می دهد و کوسه می خواند:

دودمانت بر قرار باد
سالیانه ات بلند باد

ارباب خودم مثل گذشته
مرتضی علی کمر شو بسته

البته دسته کوسه به در هر خانه ای که می روند، اهل خانه به آن ها هدیه ای می دهند و اما اگر صاحب خانه ناخن خشک باشد، کوسه می خواند:

ناقالی گنده گنده

صاحب خانه خواب مونده

مثل الاغ وامونده

توی خونه ش جا مونده

در بعضی جاها مردم روز بعد از

جشن نزد کوسه می روند و مقداری

از غذاها و خوراکی های جمع شده

را از او می گیرند و معتقدند شگون

دارد. طی تحقیقات به عمل آمده از سوی

نگارنده، در تمامی نقاط شهرستان شازند که این

مراسم برگزار می شده است، از يك شکل تبعیت

می کرده اند؛ با اندک تفاوت هایی در اشعار و تعداد

گروه اجرا کننده مراسم که گاه تا دو نفر هم بوده اند؛

یعنی تنها کوسه و عروس کوسه. در روستاهای

ترک زبان اشعار به ترکی خوانده می شده اند.

در روستاهای «حمریان» از توابع بخش

«هندو» در شهرستان شازند، دسته

کوسه زن و شوهری بودند که به انگیزه

در یافت هدایا کوسه گردی می کردند.

این تنها موردی است که يك زن

در لباس عروس کوسه در مراسم

شرکت می کرده است.

در روایتی دیگر آمده است:

دسته کوسه اگر به در خانه ای

می رفت و صاحب خانه چیزی به

آن ها نمی داد، چنین می خواندند:

ناقالی گنده گنده

چل رفته پنجاه مونده

ناقالی گنده گنده

تحقیقات
به عمل آمده از
سوی نگارنده،
در تمامی نقاط
شهرستان شازند
که این مراسم
برگزار می شده
است، از يك
شکل تبعیت
می کرده اند



گونه‌های مختلف
هنرهای نمایشی
براساس شرایط
گوناگون، از
جمله اجتماعی
و اقتصادی، در
جوامع بشری
به وجود آمده‌اند،
رشد کرده‌اند



يك دعواي كاملاً نمايشي به راه مي‌اندازند كه در آن با مسامحه كوسه، عروس مي‌گريزد و جماعت در حالي كه شادمان و خندان مي‌خوانند، به دنبال آن‌ها به خانه‌اي ديگر مي‌روند.

در اين مراسم اغلب از قوطي حليبي (پيت) به جاي ضرب و يا دايره استفاده مي‌شود كه اين عمل بر مسخرگي مراسم مي‌افزود. طي تحقيقات به عمل آمده، حدود ۳۰ سال است كه ديگر اين مراسم برگزار نمي‌شود و اكثر جوانان شهرستان فقط نامي از آن شنيده‌اند.

با توجه به نحوه اجرا و تعداد بازيجران در اين مراسم، مي‌توان گفت كه يكي از نمايشي‌ترين مراسم و آيين‌هايي بوده كه از عناصر ي مثل لباس، گریم، ماسك، موسيقي و شعر كه گاه شكل گفت‌وگو به خود مي‌گرفته، بهره مي‌برده است. حتي شكلي داستاني هم داشته است و عنصر تضاد هم در برخي از صحنه‌ها در اجراي اصلي مراسم، همانند درگيري كوسه با تگه‌ها، مرگ نمايشي كوسه و تلاش عروس براي دوباره زنده شدن او، وجود داشته است. اين گونه از مراسم آييني نمايشي شناخته شده‌ترين مراسم آييني نمايشي در سطح شهرستان بوده است؛ تا آن حد كه از دل اين مراسم ضرب‌المثل هم درآمده كه در زبان و گفت‌وگوي مردم شهرستان هنوز رايج است. چنانچه كسي خود را به بيماري بزند و اصطلاحاً تمارض كند، مي‌گويند فلاني خود را به كوسه‌بازي زده است.

صاحب‌خونه جا مونده
مثل الاغ وامونده
توي خونه‌ش جا مونده
هر كس با ما نيايه

آقاش خَر سيبايه يا: باباش به در بيبايه
در روايتي ديگر آمده است:

وقتي كوسه با تگه بر سر عروس مي‌جنگيد و كوسه شكست مي‌خورد و خود را به غش مي‌زند، عروس بالای سر كوسه مي‌رفت و چنين مي‌خواند:

عروس: كوسه مرده؟

جماعت پاسخ مي‌دادند: نمرده!

عروس: والله مرده!

جماعت: نمرده!

عروس: كوسه جونم، كوسه، دردت به جونم، كوسه. كوسه مرده؟

جماعت: نمرده، كوسه غش كرده. نمرده. كوسه خَر نخورده، مرده.

عروس: براش روغن بياريد، حالش جا بياريد.

در اين وقت صاحب‌خانه مقداري روغن زرد براي او مي‌آورد كه آن را به عنوان هديه قبول مي‌كنند و در سطل يا ظرفي كه به همراه دارند، مي‌ريزند. زن كوسه يا عروس با ني قليان در دهان كوسه مي‌دمد و بعضي مواقع ني را به پشت خود مي‌گذارد و در دهان كوسه مي‌دمد. سرانجام كوسه بر مي‌خيزد و عروس را دنبال مي‌كند و از خانه بيرون مي‌آيند. يعني آن‌ها



استنتاج

هنر نمایش یا تقلید، بازتاب زندگی انسان در طول قرن‌ها بوده است. انسان در زندگی اجتماعی خود از گذشته تاکنون همواره با مسائلی روبه‌رو بوده است. تلاش انسان برای یافتن راه‌حلی که بتواند او را در طی این مسیر پرنشیب و فراز یاری کنند، در شکل‌های گوناگونی تجلی یافته است که یکی از آن‌ها نمایش است.

گونه‌های مختلف هنرهای نمایشی براساس شرایط گوناگون، از جمله اجتماعی و اقتصادی، در جوامع بشری به وجود آمده‌اند، رشد کرده‌اند، تحول یافته‌اند و باز بر حسب شرایط یا به رشد خود ادامه داده‌اند و یا از حرکت باز ایستاده و به انحطاط کامل رسیده‌اند. البته در سالیان اخیر، به دلیل تغییر کاربردی کمابیش در برخی نقاط گاهی اجرا می‌شده‌اند. برای مثال، ناقلدی در بعضی جاها به دلیل پایگاه مادی که برای گروه اجرایی داشته، اجرا می‌شده است. ناقلدی توسط چوپانان اجرا می‌شد و بُعد مادی آن راز ماندگاری اش بود. چوپانان که در فصل سرما (زمستان) در دوره بی‌کاری به‌سر می‌بردند، با اجرای این‌گونه نمایش‌ها اجناس و جوه نقدی دریافت می‌کردند. اما به‌خاطر تغییرات شرایط اقتصادی و نظام مالی و دریافت دستمزد دیگر اجرا نمی‌شود.

باید پذیرفت تغییرات سریعی که در عصر حاضر به‌وجود می‌آیند، و حضور و ظهور ماشین‌ها و سازه‌های متعدد جدید و نوظهور، تأثیر اجتناب‌ناپذیری بر فرهنگ جوامع و به‌ویژه جوامع سنتی دارند و گاه به نابودی برخی از عناصر فرهنگی



و به‌ویژه نمایش‌های عامیانه می‌انجامند. بسیاری از عناصر درام، مانند لباس، صورتک، شعر، داستان، شخصیت، عمل، حادثه، قهرمان و ضدقهرمان در آیین‌ها بالقوه وجود دارند که می‌توان آن‌ها را به شیوه‌های گوناگون مورد استفاده نمایشی قرار داد. به‌نظر نگارنده آیین‌های نمایشی - آنچه که موجود است - دیری نمی‌پاید که از میان می‌روند و این امری است محتوم. زیرا همان‌گونه که قبلاً هم گفته شد، تکامل اقتصادی جوامع، تغییر مبنای اعتقادی، کشف قوانین علی، پیشرفت‌های صنعتی و فناوری‌های جدید موجب می‌شوند که دیگر کاربرد نداشته باشند. تنها راه ماندگاری و تداوم آن‌ها، تطبیق جنبه‌های نمایشی موجود در آن‌ها با مقتضیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روز جامعه در قالب‌های جدید است. به بیان روشن‌تر، باید قابلیت‌های نمایشی از جمله نمادها، شخصیت‌ها، موسیقی، داستان‌ها و دیگر عناصر موجود را از دل آیین‌ها و مراسم بیرون آورد، در ظرفی دیگر ریخت و مورد استفاده قرار داد.

بازیگران این‌گونه مراسم آیینی، بازیگران حرفه‌ای نبوده‌اند؛ زیرا اجرای آن‌ها به مهارت و تخصص نیاز نداشته است و افراد، تنها به‌خاطر ارتباط شغلی و معیشتی به اجرای آن‌ها اقدام می‌کردند. بازیگران انگیزه صرف نمایشی نداشته‌اند و بیشتر ابعاد مالی و زیست‌محیطی بر کارشان غالب بوده است و نه جنبه‌های نمایشی.

نگارنده پس از مطالعه و تحقیق پیرامون موضوع، علل پیدایش آیین‌ها و مراسم آیینی را این عوامل می‌داند: تأثیرات پدیدارهای طبیعی در زندگی انسان‌ها، عدم شناخت کافی پدیده‌ها و پدیدارها، وجود باورهای دینی و مذهبی در دوره‌های گوناگون تاریخی و کیفیت نوع معیشت و پایه‌های اقتصادی جامعه. همچنین اذعان می‌دارد که علل انحطاط آیین‌های مزبور نیز اکثراً همان علل پیدایش آن‌هاست. زیرا با کشف و شناخت پدیده‌ها و پدیدارها، تغییر مبنای اعتقادی و باورهای دینی و مذهبی، و تکامل اقتصادی بسیاری از آن‌ها کاربرد خود را از دست داده و به فراموشی سپرده شده‌اند. به‌نظر می‌رسد مراسم آیینی موجود نیز در روند تغییرات (اقتصادی، علمی و...) از میان خواهد رفت.

پی‌نوشت

1. Theatron

منابع

۱. تمیم‌زاده، احمد، فرهنگ عامه، انتشارات مهکامه، چ اول، تهران، ۱۳۹۰
۲. احمدی، هرمز، مجموعه شعر مرثیو، انتشارات فرتاب، چ اول، تهران، ۱۳۸۱

در این مراسم
اغلب از قوطی
حلبی (پیت)
به جای ضرب و
یا دایره استفاده
می‌شد که این
عمل بر مسخرگی
مراسم می‌افزود